

ژئوپلیتیک جزایر سه‌گانه ایرانی



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

همراهی اتحادیه اروپا با ادعاهای بی‌اساس امارات دربارہ جزایر ایرانی ابوموسی، تب و کوچک و تبب بزرگ و استفاده بی‌معنی و بی‌سابقه از لفظ «اشغال» در این زمینه بار دیگر توجهات را به این موضوع جلب کرده است. این مسئله از دو بعد قابل بررسی است: بعد حقوقی و بعد ژئوپلیتیک. در دوره اخیر در دو مقاله در روزنامه «شرق» مورخ ۵ دی ۴۰۲ (یک ارزیابی حقوقی درمورد سه جزیره) و روزنامه اعتماد ۲۷ آذر ۴۰۱ (آنچه چین درمورد سه جزیره باید بداند) کلیاتی درباره بعد حقوقی موضوع ذکر کردم. و در اینجا با نهایت اختصار شرحی درباره بعد ژئوپلیتیک ارائه می‌کنم:

وجه ژئوپلیتیک این مناقشه ریشه در تعارض بین قدرت جهانی غالب در خلیج فارس و ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت منطقه دارد. این تعارض اگرچه با غلبه انگلیس در منطقه در دهه ۱۸۰۰ شکل جدیدی به خود گرفت، اما سابقه آن به شروع عصر مدرن و ظاهرشدن پرتغالی‌ها به‌عنوان نخستین قدرت جهانی در منطقه برمی‌گردد. در آن دوره نیز تعارض بین ایران و پرتغالی‌ها که از ۱۵۰۷م بر جزیره هرمز مسلط شدند، تا اخراج آنها از این آب‌ها در ۱۶۲۲ در جریان بود. این تعارض بعدا در رابطه بین ایران و هلندی‌ها و نهایتاً بین ایران و انگلیس خود را بازتولید کرد. تعارض ایران و انگلیس ابعاد مختلفی داشت که ازجمله به دو جنگ تمام‌عیار در ۱۹۳۸ و ۱۸۵۲ نیز انجامید. تلاش قدرت جهانی برای کنترل جزایر ایرانی همیشه یکی از عوارض جنبی این تعارض ژئوپلیتیک بود. با وجود اینکه انگلیس در قرن نوزدهم مطابق اسناد موجود رسماً به تعلق همه جزایر نوار شمالی و خروجی غربی تنگه هرمز به ایران ادعان کرده بود، در مقاطعی دیگر و متناسب با نیازهای لجستیکی و عملیاتی نیروی دریایی انگلیس در منطقه کوشید تا ادعای تعلق جزایر ایرانی در خلیج فارس از بحرین گرفته تا قشم و هنگام و… به شیوخ عرب تحت‌الحمایه خود را مطرح کند. اسناد متعددی در آرشیوهای وزارت خارجه انگلیس وجود دارد که گویای این تلاش‌ها است که گاه شکل مضحک نیز می‌یافت. در مواردی که ادعای تعلق جزیره‌ای به یک شیخ عرب ممکن نبود، انگلیس از راه‌های جایگزین مانند اشغال و درخواست اجاره یا خرید جزایر برای اعمال کنترل اقدام می‌کرد.

اوج این تعارض در سال‌های اولیه قرن بیستم و در پرتو اوج‌گیری رقابت‌های استعماری شامل ابوموسی و دو تبب نیز شد. انگلیس که در ۱۸۹۲ طی عهدنامه‌ای همه شیوخ عرب را تحت‌الحمایه کرده بود، به این جزایر برای لجستیک و عملیات نیروی دریایی خود و نیز تقویت مواضع علیه قدرت‌های استعماری رقیب متحاج شد. مکاتبات دوایر استعماری انگلیس در آن دوره نشان می‌دهد که این فکر چگونه شکل گرفت و چگونه نهایتاً سرنگن کیمبال، نماینده مقیم انگلیس در خلیج فارس، در ۳۰ آوریل ۱۹۰۳ شیوخ شارجه و رأس‌الخیمه را با خود برای برافراشتن پرچم‌شان در این سه جزیره به محل برد. این اقدام به انگلیس امکان می‌داد که به اسم حامی آن دو شیخ جزایر را برای مصارف لجستیکی و عملیاتی تحت کنترل داشته باشد. اقدام مأموران کمسرک ایران که به طور اتفاقی پرچم شیوخ را در جزایر ایرانی دیده و آن را پایین کشیده بودند، تهدید اقدام نظامی از سوی انگلیس را در پی داشت. این در حالی است که انگلیس در تمام طول قرن نوزدهم به تعلق این سه جزیره به ایران ادعان کرده بود و در اسناد متعدد، ازجمله در نقشه رسمی وزارت جنگ انگلیس که طی یادداشت رسمی مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۸۸۸ از سوی وزیر مختار انگلیس به ناصرالدین شاه اهدا شد، جزایر سه‌گانه به رنگ قلمرو ایران رنگ‌آمیزی شده بودند.

ژئوپلیتیک تعارض بین قدرت جهانی غالب در منطقه خلیج فارس و قدرت اصلی منطقه‌ای یعنی ایران که به‌این‌ترتیب شکل گرفت، تا به امروز نیز عامل تعیین‌کننده در این مناقشه بوده است. با خروج انگلیس از شرق سوئز، به شمول خلیج فارس، پایگاه‌های نظامی انگلیس در خلیج فارس نیز برپیده شد. در شرایطی که آمریکا به خاطر جنگ ویتنام و نظر منفی اعراب به خاطر مسئله اسرائیل و… قادر به استقرار در خلیج فارس نبود، ایران به‌عنوان قدرت اصلی منطقه، غرب را متقاعد کرد که توان نظامی و اقتصادی لازم برای برعهده‌گرفتن امنیت خلیج فارس را دارد. به‌این‌ترتیب، بزرگ‌ترین قدرت خلیج فارس عهددار حفظ امنیت آن شد که بعد از ۱۵۰۷ جز یک دوره کوتاه بعد از اخراج پرتغالی‌ها سابقه نداشت.

سه‌شنبه ۱۴۰۳ آبان
۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶
۲۲ اکتبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۵۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

«شرق» از سفر امروز مسعود پزشکیان به کازان روسیه برای شرکت در نشست سران بریکس گزارش می‌دهد

سفری برای توازن بخشی؟

گزارشی از ادعاهای ضدونقیض متولیان اجرائی که بازار برنج را نابسامان کرده و به صعود قیمت‌ها دامن زده است

غائله برنج



این گزارش را در صفحهٔ «بخوانید عکس» هفته‌نامهٔ پارس

یادداشت

ما و مصر



مجید شیخ‌محمدی

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

قدرت برکنار شد. پس از او مدت کوتاهی محمد مرسی به قدرت رسید. او تنها رئیس‌جمهور منتخب با شیوه دموکراتیک در این کشور بود. مرسی، رئیس حزب آزادی و عدالت و کاندیدای این حزب در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۲ بود. او از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ نماینده پارلمان مصر بود.

محمد مرسی در دوازدهم تیر ۱۳۹۲ پس از ناآرامی‌های چندروزه و بحالت بحرانی مصر، با کودتایی به دست ارتش مصر برکنار و زندانی شد. مرسی بعد از بازداشت با چند مورد اتهام مواجه و به زندان‌های بلندمدت محکوم شد. از سال ۱۳۹۲ تاکنون، ژنرال عبدالفتاح السیسی در مصر حکومت می‌کند.

مرسی متهم بود از اختیارات خود در راستای گسترش نفوذ اخوان‌المسلمین سوءاستفاده کرده است. در ۲۷ خرداد ۱۳۹۸، مرسی به دنبال بیهوش‌شدن در دادگاه، درگذشت. روابط ایران با مصر حتی در زمان محمد مرسی نیز به دلیل اصطکاکات ایدئولوژیک نتوانست توسعه پیدا کند.

جمال عبدالناصر که با ادعای مبارزه با استعمار سر کار آمده بود، در ۱۹۵۳ در پی ملی اعلام‌کردن کانال سوئز با بحران مواجه شد. در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶، نیروهای اسرائیلی از شبه‌جزیره سینا عبور کردند و به‌سرعت به سوی اهداف‌شان پیش رفتند. دو روز بعد، جنگنده‌های بریتانیا و فرانسه فرودگاه‌های واقع در حوزه کانال سوئز را بمباران کردند.

در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ نیز اسرائیل موفق شد در طول شش روز بخش عمده نیروی هوایی مصر، سوریه و اردن را نابود کند و تمام این‌دانشگاه سینا، کرانه باختری رود اردن و ارتفاعات جولان را به تصرف خود درآورد. این شکست برای اعراب تحقیرآمیز بود؛ به‌ویژه مصر که قوی‌ترین ارتش عربی را داشت و درحالی‌که داعیه رهبری جهان عرب را داشت، سنگین‌ترین شکست را متحمل شده بود. جنگ رمضان، آخرین جنگ بین اعراب و اسرائیل بود که از ششم تا ۲۵ اکتبر ۱۹۷۳ اتفاق افتاد. این جنگ با حمله غافلگیرانه مصر و سوریه علیه مواضع نیروهای اسرائیلی در شرق کانال سوئز و ارتفاعات جولان آغاز شد؛ مناطقی که شش سال قبل در جنگ شش‌روزه به تصرف قوای اسرائیل درآمده بود. این جنگ تأثیری بسیار عمیق و دیرپا بر طرفین درگیر و منطقه خاورمیانه گذاشت. عرب‌ها که با شکست یک‌طرفه ائتلاف مصر، سوریه و اردن در جنگ سال ۱۹۶۷ تحقیر شده بودند، این بار با موفقیت‌های ابتدایی در این جنگ، روحیه خود را بازیافتند. اسرائیلی‌ها نیز با وجود دستاوردهای چشمگیر عملیاتی و تاکتیکی که در میدان جنگ به دست آوردند، به این نکته پی بردند که برتری نظامی آنها بر نیروهای عربی همیشگی و تضمین‌شده نخواهد بود. این تغییر نگرش، راه را برای فرایند صلح

محمدرضا عارف تأکید کرد:

لزوم استفاده از تجارب بین‌المللی برای توانمندسازی افراد مبتلا به اتیسم

۱۰

برگزیده‌ها

روایت

بمب‌های شبگرد

حسین دهباشی ، خبرنگار اعزامی «شرق» به بیروت

۱۲

بقای با تأیید فعال بودن راه ارتباطی ایران و آمریکا:

تمرکز ما بر دفاع قاطع از منافع کشور است

۳

بررسی جرابی تشدید سیاست‌های ضدایرانی قاره سبز در گفت‌وگو با علی رضوان پور

اروپا استقلال سیاسی ندارد

۲

واکوی آتش‌سوزی‌های سریالی اخیر در گفت‌وگو با سخنگوی سازمان آتش‌نشانی:

عاملان دورزدن اصول ایمنی باید پاسخگو باشند

۱۰

ادامه خط‌ونشان‌های جریال رادیکال برای دولت

چالش‌هایی برای پزشکیان

۳

پیری همه را نگران می‌کند غیر از قلعه‌نویی

۹

یادداشت

گذر از «تسلیم‌شدگی»



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

۱. فریاد و فغان آقای رئیس‌جمهور در جمع صادرکنندگان نمونه به هوا رفت و از تعهداتی‌گفت که «مجلس بر گردن دولت‌ها گذاشته که با واقعیت‌ها همخوانی ندارد… از طرفی می‌گویم به کسانی که ازدواج کرده‌اند فلان‌قدر وام دهید، اینها را هم بیمه کنید… پول کجاست؟ دولتی بدهکار درست کرده‌اند و بعد می‌گویند مشکل را حل کنید» (تسنیم، ۷/۲۱). این فریاد و فغان آقای پزشکیان به نظر پیش‌درآمد صدای «چوب آد بودجه» است که سیاست‌مداران را چه اصولگرا، چه اصلاح‌طلب و چه اعتدالی‌مورد نوازش قرار می‌دهد؛ چراکه نمی‌توان ذهنی و خیالی منابع را افزایش داد. بودجه‌ای که امسال به گفته وزیر اقتصاد ۸۵۰ هزار میلیارد تومان کسری دارد و سال‌آتی در صورت تداوم مسیر فعلی، این رقم قطعاً بزرگ‌تر هم خواهد شد. بودجه‌ای که کسری‌های آن در شرایط موجود، جز از طریق استقراض از بانک مرکزی که تورم شدیدی را در پی خواهد داشت یا انتشار اوراق قرضه که آن نیز موکول‌کردن قرض دولت به آینده است یا صندوق توسعه ملی که همچون گوشت قربانی است و چیزی دیگر به استخوان آن نمانده (تنها ۱۵ میلیارد دلار از ۱۶۰ میلیارد ورودی آن) یا از طریق اصلاح قیمت سوخت که هزینه سنگین اجتماعی دارد، جبران نمی‌شود. البته راه دیگری هم وجود دارد و آن، کاهش هزینه‌های دولت است و ترجیح جلب رضایت شهروندان بر حمایت ذی‌نفعان خاص که ….

۲. به نظر می‌رسد این بار واقعاً در برهه حساس کنونی قرار داریم (به نقل از عباس امانت) و وضعیت‌مان واقعاً ناخوشایند است، نه همچون دیگر برهه‌های حساس کنونی که با قدری از این ستون به آن ستون گذر کرد، لنگ‌لنگان و افتان‌وخیزان به راه خود ادامه می‌دادیم.

^[1] ۸ صفحه ادامه‌دار

^[2] ۸ صفحه

^[3] ۸ صفحه ادامه‌دار

^[4] ۸ صفحه